

کار آفرینی در چهار دیواری خانه

در شرایط سخت اقتصادی، برخی زنان با تبدیل خانه به کارگاه، نه تنها درآمدزایی می کنند بلکه فرهنگ و هنر ایرانی را زنده نگه می دارند. این گزارش، داستان پشت پرده تولیداتی است که از دل خانه‌ها به بازار راه یافته‌اند

در گوشه‌وکنار خانه‌های ایران، جایی که صدای چرخ خیاطی با آواز پارچه‌های رنگارنگ درهم می‌آمیزد، زنان با دستان هنرمندشان در حال بازتعریف اقتصادند. مشاغل خانگی که زمانی شاید تنها سرگرمی یا تکمیل‌کننده درآمد تلقی می‌شد، حالا به موتور محرکه‌ای برای خودکفایی و خلاقیت بدل شده است. این زنان با تکیه بر مهارت‌های‌شان در صنایع دستی؛ از دوخت عروسک‌های پارچه‌ای گرفته تا بافت شال گردن‌های پر نقش و نگار، نه تنها معیشت خانواده‌های خود را بهبود می‌بخشند بلکه به اقتصاد محلی و ملی جان تازه‌ای می‌دهند. در این گزارش، با چند نفر از این زنان پیشگام گفت‌وگو کرده‌ایم که با ابزارهای ساده و اراده‌ای بزرگ، خانه‌های‌شان را به کارگاه‌هایی از امید و خلاقیت تبدیل کرده‌اند.

امروزه مشاغل خانگی بیش از ۲۳ درصد از اشتغال جهانی را به خود اختصاص داده‌اند و به گفته کارشناسان، نقشی کلیدی در افزایش مشارکت اقتصادی زنان ایفا می‌کنند. این کسب‌وکارها که اغلب با سرمایه‌ای اندک و تکیه بر مهارت‌های فردی راه‌اندازی می‌شوند، نه تنها به رونق بازار کار کمک کرده‌اند بلکه به بهبود معیشت خانوارها و رشد اقتصاد منجر شده‌اند. به گفته وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، در سال ۱۴۰۴ تسهیلات مشاغل خانگی با افزایش ۴۰ درصدی همراه بوده؛ گامی که می‌تواند به شکوفایی بیشتر صنایع دستی و کسب‌وکارهای خرد بینجامد. این روند رو به رشد، هر روز افراد بیشتری را به سوی این مدل از کسب‌وکار جذب می‌کند؛ زنانی که با هنرشان نه فقط محصول بلکه آینده‌ای روشن‌تر می‌سازند.

عروسک‌هایی که در خانه جان می‌گیرند

ملیحه علوی یکی از این زنان است؛ هنرمندی که عروسک‌هایش نه فقط از تکه‌های پارچه که از خاطرات، لیخنده‌ها و رویاها ساخته می‌شوند. او در سال ۱۳۹۸، پس از دیدن یک فیلم آموزشی ساده در فضای مجازی، جرقه‌ای در ذهنش روشن شد. این جرقه به زودی تبدیل به شعله‌ای از خلاقیت و پشتکار شد. ملیحه در خانه‌اش با دقتی وسواس‌گونه، عروسک‌هایی را طراحی، دوخت و تزئین کرد که بیش از هر چیز دیگر، امضای روح او را داشتند.

می‌گوید ساخت هر عروسک فرایندی طولانی و پیچیده است؛ از طراحی اولیه تا انتخاب دقیق پارچه‌های نخی و پنبه‌ای، از دوخت و تزئین

جزئیات تا بسته‌بندی نهایی. هر مرحله را خودش انجام می‌دهد. برایش مهم است که عروسک‌ها متناسب با سلیقه مشتری باشند؛ مدل مو، لباس، رنگ، حتی اکسسوری‌ها. او با افتخار از کیفیت بالای مواد اولیه‌اش حرف می‌زند و معتقد است رمز موفقیتش در همین دقت‌ها و تعهد به خلاقیت نهفته است.

با وجود تمام این تلاش‌ها، مسیر هموار نیست. قیمت مواد اولیه مدام در نوسان است، هزینه‌ها بالا رفته‌اند و مشتریان - به‌ویژه در شرایط اقتصادی سخت - ممکن است اولویت‌های دیگری جز خرید یک عروسک دست‌ساز داشته باشند. اما ملیحه دل‌سرد نیست. می‌گوید: «از خلق عروسک‌هایم لذت می‌برم. وقتی مشتری‌ها راضی هستند، انگار یک چراغ در وجودم روشن می‌شود.»

نخ و سوزن؛ تاروپود امید و درآمد

اکرم مهدی‌زاده، بانوی ۴۳ ساله اهل اصفهان، داستان متفاوت اما هم‌سرشتی دارد. او عاشق پارچه‌های رنگارنگ است. از نوجوانی به خیاطی علاقه‌مند بود و مدرک فنی‌وحرفه‌ای‌اش را گرفت، اما زندگی - آن‌گونه که اغلب برای زنان رخ می‌دهد -



اجازه نداد مسیرش را به‌سادگی ادامه دهد. سال‌ها گذشت تا او دوباره به چرخ خیاطی‌اش برگشت، اما این بار نه برای دل خودش، بلکه برای ساختن راهی به سوی استقلال مالی. اکرم کارش را با دوخت سرویس‌های آشپزخانه آغاز کرد؛ دمکنی، پیش‌بند، دستگیره، روبالشی و هر چیزی که بتواند با سلیقه مشتری عجین شود. در آغاز، سرمایه‌ای نداشت. یکی از دوستانش که به ایده‌اش باور داشت، مسئولیت پشتیبانی مالی و بازاریابی را پذیرفت. اکرم هم با وسواس و دقت، دوره‌های آموزشی را گذراند، طرح‌ها را آزمود، پارچه‌های متقال، کتان و پشم شیشه را خرید و نخستین دوخت‌ها را زد.

او می‌داند که بازار رقابتی ست. پارچه‌ها باید خوش‌رنگ و متنوع باشند، دوخت باید تمیز باشد، قیمت باید منصفانه باشد. اما فراتر از این‌ها، ارتباط انسانی، خوش‌قولی و تعهد به کیفیت است که مشتری را نگه می‌دارد. او حالا از سراسر کشور سفارش دارد؛ از طریق شبکه‌های اجتماعی، بازارهای اینترنتی مثل «باسلام» و حتی مغازه‌دارهای سنتی. اکرم تأکید می‌کند که کار خانگی، برخلاف تصور

رایج، آسان نیست. نه تنها به مهارت و خلاقیت بلکه به انضباط شخصی، پیگیری مستمر، و اعتماد به نفس بالا نیاز دارد. او می‌خواهد روزی برسد که مشاغل خانگی نه به چشم شغل اضطراری بلکه به‌عنوان بخش رسمی و مورد احترام اقتصاد دیده شوند.

از گوشه خانه تا قلب اقتصاد محلی

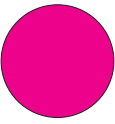
و در گوشه‌ای دیگر، طاهره مقدم بافتنی می‌یافتد. ۳۵ ساله است و با دو میل، یک قلاب و چند توپ کاموا، جهانی از رنگ و احساس خلق می‌کند. در هر رج بافتنی‌اش، نشانه‌ای نهفته است. سفید، روزهای خوشی ست؛ خاکستری، دل‌تنگی‌ها؛ و سبز، امید. او این زبان رج‌ها را از مادرش آموخته؛ بی‌آنکه در کلاس رسمی‌ای بنشیند یا گواهینامه‌ای بگیرد.

از نوجوانی می‌یافت. ابتدا برای دل خودش. بعدها که درآمد خانواده کافی نبود، این هنر به شغل بدل شد. کلاه، شال گردن، جوراب، دستکش، رومیزی... آنچه که از نخ و رنگ ساخته می‌شود، حالا کالایی برای فروش است. مشتری‌هایش همسایگان و آشنایان‌اند، چرا که آشنایی زیادی با فضای مجازی ندارد. اما اگر بازارچهای باشد، نمایشگاهی یا مکانی امن برای عرضه آثارش، با شور بیشتری وارد میدان می‌شود.

طاهره نیز مشکلات خودش را دارد. درآمدش ثابت نیست، سرمایه ندارد و مهم‌تر از همه، جسمش دیگر همان پایداری سابق را ندارد. مچ‌هایش آسیب دیده‌اند، گردن و کمرش درد می‌کنند. اما با همه این‌ها، هنوز می‌یافتد. چون این کار نه تنها نان سفره‌اش را فراهم می‌کند، بلکه بخشی از هویت اوست. بخشی از بودنش.

این زنان، قهرمانان خاموش اقتصاد هستند؛ بدون تریبون، بدون دریافت وام‌هایی کلان، بدون دفتر کار رسمی، اما با دست‌هایی پر از توانایی و ذهن‌هایی سرشار از خلاقیت. شاید خانه‌های‌شان کوچک باشد، اما رؤیای‌های‌شان آنقدر بزرگ است که می‌تواند چرخ یک بازار محلی را بچرخاند.

در دنیایی که بیشتر نگاه‌ها به کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ دوخته شده، باید یادمان باشد در پس پرده اقتصاد، خانه‌هایی هستند که در سکوت، اما پیوسته کار می‌کنند؛ خانه‌هایی که زنانی در آن‌ها، نه فقط محصولات بلکه عزت و امید تولید می‌کنند.

یادداشت
O P I N I O N

ناصر چمنی

فعال حوزه کارگری

ظرفیت‌های مغفول در مشاغل خانگی

مشاغل خانگی همواره بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد خانواده‌ها بوده‌اند و از منظر ایجاد اشتغال، نوآوری در تولید و ارائه کالا و خدمات، بستری مناسب به شمار می‌روند. این مشاغل که ریشه در فرهنگ و سنت دیرینه ایرانی دارند، امروز در پاسخ به بحران بیکاری و تورم، بار دیگر مورد توجه قرار گرفته‌اند و جایگاه تازه‌ای یافته‌اند.

کسب‌وکارهای خانگی که ایران سابقه‌ای طولانی دارند؛ از بافت قالی و گلیم در فضای محدود یک اتاق گرفته تا تهیه ترشی، پخت نان و شیرینی محلی، خانواده‌ها با تکیه بر مهارت‌های بومی و درون‌زا توانسته‌اند معیشت خود را تأمین کنند و پایه‌گذار صنایع کوچک باشند. زنان در این فرایند، نقش محوری و کلیدی ایفا کرده‌اند و کودک‌اند نیز همگام با والدین، کار را نه فقط وسیله‌ای برای درآمد بلکه بخشی از هویت و افتخار خانوادگی می‌دانستند. مشاغل خانگی در آن دوره بیشتر از سر ناچاری یا برای تکمیل درآمد خانوار شکل می‌گرفتند و مفاهیمی مانند کارآفرینی هنوز در فرهنگ عمومی رایج نبود.

با گسترش شهرنشینی و رشد نظام کارخانه‌ای، این نوع فعالیت‌ها به حاشیه رانده شدند. سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی نیز اغلب نسبت به ظرفیت‌های مشاغل خانگی بی‌توجه بود و در نتیجه، بخش قابل‌توجهی از نیروی کار، به‌ویژه زنان خانه‌دار، از روند تولید کنار گذاشته شدند. بدون آن‌که فرصتی جدی برای بازیابی شغلی داشته باشند. با این حال، در سال‌های اخیر، افزایش بیکاری، رشد هزینه‌های زندگی مانند اجاره و حمل‌ونقل و همزمان، بالا رفتن تقاضا برای محصولات طبیعی، بومی و سفارشی، باعث شده تا توجه به مشاغل خانگی دوباره احیا شود.

پیشرفت فناوری‌های ارتباطی، گسترش شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های فروش آنلاین و آموزش از راه دور، شرایطی فراهم کرده‌اند که افراد بتوانند از خانه، کالا و خدمات خود را عرضه کنند. امروزه، تولید محتوا، طراحی گرافیک، آموزش مجازی، برنامه‌نویسی و مشاوره‌های تخصصی از جمله مشاغل هستند که می‌توان آن‌ها را از خانه دنبال کرد. این روند سبب شده تا افراد، بدون نیاز به سرمایه اولیه بالا، کسب‌وکار خانگی خود را راه‌اندازی کرده و مشتریانی در سطح ملی و بین‌المللی داشته باشند. چنین تحولاتی باعث شده تا مشاغل خانگی از چارچوب‌های سنتی فراتر رفته و به بستری مناسب برای اشتغالزایی، کارآفرینی و توسعه اقتصادی بدل شوند. با وجود ظرفیت‌های گسترده مشاغل خانگی، فعالان این حوزه همچنان با چالش‌هایی چون نبود بیمه، فقدان امنیت شغلی، دشواری در تهیه مواد اولیه و کمبود حمایت‌های آموزشی و حقوقی مواجه‌اند. در این میان، دولت با طرح‌هایی نظیر «ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی» می‌کوشد زمینه‌ای برای پایداری و رسمیت‌بخشی به این فعالیت‌ها فراهم کند. توسعه کسب‌وکارهای خانگی نه تنها به کاهش بار اقتصادی خانواده‌ها و ارتقای کیفیت زندگی کمک می‌کند، بلکه در سطح کلان می‌تواند به تقویت اقتصاد مقاومتی هم بینجامد. در شرایط فشار اقتصادی و تحریم، تکیه بر توان داخلی و تقویت نقش تولیدی خانواده‌ها، گامی بلند در مسیر اشتغال‌زایی و افزایش اعتمادبه‌نفس ملی است.

“

در روزگار

دشواری‌های

اقتصادی،

زنان خلاق

ایرانی با تبدیل

خانه‌های‌شان

به کارگاه‌های

کوچک، نه تنها

به درآمدزایی

می‌پردازند بلکه

هنر و فرهنگ

بومی را زنده نگه

می‌دارند

اما نمی‌دانند چگونه محصولاتشان را بفروشند. اینجاست که آموزش‌های کاربردی و همچنین ایجاد پلتفرم‌های دیجیتال بومی می‌تواند حیاتی باشد. «در حال حاضر، بسیاری از این افراد به شبکه‌های اجتماعی برای فروش متکی هستند؛ راه‌حلی موقت که با خطر فیلترینگ یا قطع دسترسی همواره تهدید می‌شود.

• نقش رسانه در فرهنگ‌سازی

برای اینکه مشاغل خانگی جایگاه خود را در فرهنگ عمومی پیدا کنند، رسانه‌ها باید پای کار بیایند. گلیور تأکید می‌کند: «سازمان صداوسیما وظیفه دارد به‌صورت مستمر، با مشارکت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، برنامه‌های آموزشی و ترویجی تولید کند. اما این مسئولیت تنها بر دوش رسانه ملی نیست. آموزش‌وپرورش، وزارت ارشاد، سازمان تبلیغات اسلامی و حتی مطبوعات نیز باید به‌صورت هدفمند و حرفه‌ای به این حوزه ورود کنند.»

• فرصتی برای سیاستگذاری نوین

در پایان، گلیور از لزوم سیاستگذاری دقیق و جامع در این حوزه می‌گوید: «مشاغل خانگی قابلیت تبدیل شدن به کسب‌وکارهای خانوادگی را دارند. این یعنی مشارکت همه اعضای خانواده، انتقال تجربه، افزایش تاب‌آوری اجتماعی و اقتصادی.»

او تأکید می‌کند که حمایت از این مشاغل تنها راهی برای کاهش فقر نیست، بلکه پلی برای رسیدن به عدالت اجتماعی، خودکفایی اقتصادی و ارتقای کیفیت زندگی در مقیاسی بزرگ‌تر است.

مشاغل خانگی، اگرچه در ایران هنوز با چالش‌های ساختاری و فرهنگی زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، اما در دل خود ظرفیتی نهفته دارند که می‌تواند چهره اشتغال و تولید را متحول کند. با حمایت‌های درست، آموزش حرفه‌ای و سیاستگذاری دقیق، خانه‌ها می‌توانند به کارخانه‌های کوچک و پایداری بدل شوند؛ نقطه‌ای که زندگی در آن نه با بیکاری که با امید، آغاز می‌شود.

۷۰۰ میلیون نفر را تا حدی از فقر نجات دهد. او با نگاهی به ظرفیت داخلی ایران می‌گوید: «اگر برنامه‌ریزی منسجم و حمایتی در کار باشد، از آموزش گرفته تا تأمین مواد اولیه، این مشاغل می‌توانند سهم چشمگیری در اشتغال مولد، افزایش تولید ناخالص ملی، کاهش بیکاری و ارتقای کیفیت نیروی انسانی ایفا کنند.»

• حمایت‌های قانونی؛ از حرف تا عمل

اما آیا قانون از این کسب‌وکارها حمایت می‌کند؟ گلیور می‌گوید بله، اما با اما و اگرهایی. او با اشاره به مواد «۷» و «۱۱» قانون ساماندهی مشاغل خانگی توضیح می‌دهد: «شهرداری‌ها موظفند بازارهای محلی موقت را برای عرضه محصولات مشاغل خانگی اختصاص دهند. همچنین، بند «۱۶» ماده «۷» نیز به تسهیلات بانکی قرض الحسنه از سوی بانک‌ها و صندوق مهر رضا (ع) اشاره دارد. بانک مرکزی نیز باید ۳۰ درصد منابع خود را هر سال به این بخش اختصاص دهد.»

با این همه، مسیر دریافت این تسهیلات، هنوز برای بسیاری از صاحبان مشاغل خانگی دشوار و پرپیچ‌وخم است. او اضافه می‌کند: «مشاغل خانگی برخلاف تصور رایج، از معافیت مالیاتی کلی برخوردار نیستند. تنها برخی مشاغل خاص مانند فرش دستباف و صنایع دستی، طبق ماده «۱۲۲» قانون مالیات‌های مستقیم، از مالیات معافند.»

وقتی صحبت به بیمه می‌رسد، گلیور لحن جدی‌تری پیدا می‌کند. «یکی از بزرگ‌ترین موانع توسعه این بخش، نبود نظام بیمه‌ای جامع و فراگیر است.» او توضیح می‌دهد که بسیاری از شاغلان خانگی، به‌ویژه زنان، به دلیل فعالیت غیررسمی از مزایای بیمه محروم هستند. این موضوع نه تنها آن‌ها را در برابر خطرات اقتصادی آسیب‌پذیر می‌کند بلکه امکان رشد و تداوم فعالیت‌شان را نیز کاهش می‌دهد.

• آموزش و بازاریابی؛ ستون‌های گمشده

گلیور بر اهمیت آموزش مستمر، خصوصاً در زمینه‌های بسته‌بندی، بازاریابی و فروش تأکید می‌کند. او می‌گوید: «بسیاری از تولیدکنندگان خانگی، کارشان خوب است

در یکی از روزهای معمولی تهران، صدای خفه چرخ خیاطی از پشت در آپارتمانی قدیمی در چهارراه امیراکرم شنیده می‌شود. زنی جوان با دستانی ماهر و چشمانی خسته مشغول دوختن مانتویی سفارشی برای مشتری‌اش در اینستاگرام است. این صحنه در سال‌های اخیر، بدل به تصویری رایج از مشاغل خانگی در ایران شده؛ شکل تازه‌ای از اشتغال که نه فقط راه‌حلی برای اقتصاد فرسوده خانوارها که نقطه اتکایی برای توسعه اقتصاد ملی به‌شمار می‌آید.

دکتر سمیه گلیور، رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران و استاد دانشگاه، یکی از مدافعان جدی توسعه این نوع کسب‌وکارهاست. در گفت‌وگویی با او، تلاش کردیم ابعاد مختلف این پدیده رو به گسترش را بررسی کنیم؛ از چالش‌های بیمه و مالیات گرفته تا ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی‌ای که کمتر درباره‌شان گفته شده است.

«مشاغل خانگی یعنی اشتغال بدون جابه‌جایی مکان.» این نخستین جمله‌ای است که دکتر گلیور با قاطعیت بیان می‌کند. او ادامه می‌دهد: «طبق ماده ۲ قانون ساماندهی و حمایت از مشاغل خانگی، این دست از مشاغل فعالیت‌هایی هستند که در قالب طرح کسب‌وکار، توسط عضو یا اعضای خانواده، در فضای مسکونی انجام و منجر به تولید کالا یا خدمات قابل عرضه در بازار بیرون از خانه می‌شوند.»

از دوخت لباس تا تدریس مجازی، از طراحی گرافیک تا پرورش گیاهان دارویی، فهرست مشاغلی که زیر این چتر قرار می‌گیرند گسترده و متنوع است. مزیت مهم این مشاغل نیز در همین انعطاف‌پذیری نهفته است؛ نیاز به تغییر کاربری ندارند و طبق بند «۴» ماده «۷»، استفاده از فضای مسکونی برای این فعالیت‌ها کاملاً قانونی است.

• فرصتی برای خانواده و کشور

«در جهانی که اشتغال رسمی محدود شده، مشاغل خانگی مانند سوپاپ اطمینان عمل می‌کنند.» گلیور بر این باور است این مدل از کار نه تنها معیشت خانواده را تأمین می‌کند بلکه به‌مرور نقشی اساسی در رشد اقتصادی کشور ایفا خواهد کرد. او اشاره می‌کند که در چین، توسعه هدفمند مشاغل خانگی توانسته بیش از